دینامیسم معاملات نفت در تحولات اوپک و بازار نفت

بهروز پورسینا

دکتر علی شمس اردکانی

دکتر محسن طلایی،دکتر فریدون برکشلی

مطالعه یک پدیده به صورت دینامیکی می‏تواند مبین رفتار تعاملی آن با سایر عوامل باشد؛در این راستا روش مطالعه در این پژوهش،برگرفته از همین الگو است.

امروزه رشد جمعیت و تغییر بافت زندگی جوامع از زندگی ساده روستایی به‏ سیستم صنعتی در کنار پیشرفت علوم و تکنولوژی،افزایش چشمگیر مصرف انواع‏ مختلف حامل‏های انرژی را در سطح جهان در پی داشته است.از جمله انرژی‏های‏ اولیه‏ای که تمدن صنعتی امروز استفاده شایانی از آن کرده،نفت است.کشف و بهره‏برداری از نفت،صنعت و بازار جدیدی را به دنیا عرضه کرده،مجموعه و سیستمی که از گستره و پیچیدگی فوق العاده‏ای برخوردار شده است.

نظر به انکه یک سیستم را می‏توان مجموعه‏ای از اجزا متفاوت و مجزایی دانست‏ که در ربط و هماهنگی با یکدیگر هدفی واقعی را تامین می‏کند،بنابراین شناسایی‏ اجزا و روابط میان آنها در یک سیستم،مقدمه دستیابی به نگاهی فراگیر و شناختی‏ کلان از آن مجموعه خواهد بود.در سیر تحولات جهانی بازار نفت طی دهه‏های‏ 80 و 90،کارگزاران و صاحبنظران امور صنعت و بازار نفت به خوبی دریافتند به‏ همان اندازه که باید به تحلیل و ارزیابی خرد از تحولات این مجموعه بها داد،برای‏ نگرش و بررسی‏های کلان(که در آن مطالعه اجزا با توجه به روابط درون سیستمی و جهت‏گیری‏های کل سیستم است)می‏باید اهمیت و ارزش قائل شد؛اگر بررسی‏های‏ «خرد»به منظور شناخت وضعیت جاری عوامل بازار ضروری است،تحلیل‏ها و بررسی‏های کلان برای استنباط و درک صحیح از سیاست‏گذاری‏های کارگزاران‏ بازار بین المللی نفت و رفتار قیمت از یک سوی و از سوی دیگر،تعیین اهداف میانی و استراتژیک،موضوعیت پیدا می‏کند.

در این راستا،تحقیق مورد بحث در صدد بوده است تا این نظر را به آزمون‏ بگذارد که آیا نوع ارتباط تحولات بنیادین بازار و مکانیسم معاملات نفت،از نوع‏ ارتباط تعاملی بوده است و یا اساسا،ارتباط بارز و منقطی را میان تحولات ساختاری‏ بازار و رژیم قراردادهای تجارت نفت نمی‏توان قائل شد.

این پژوهش در قالب دو بخش که هر بخش دارای سه فصل می‏باشد،ارائه‏ شده است.

در فصل اول با عنوان«کلیات مفاهیم و روش‏ها»مباحث حول معرفی صنعت‏ جهانی نفت و کارگزاران و تبیین نگرش کلان به شبکه ارتباطی در صنعت نفت‏ متمرکز می‏شود.

فصل دوم با عنوان«بررسی ساخت تجارت بین الملل نفت و جایگزینی نفت‏ انرژی‏زا»به مبحث تجارت نفت با توجه به نظام بین المللی تجارت کالا و پول‏ می‏پردازد.همچنین مروری به مباحث مربوط به شدت مصرف انرژی و نفت در کنار موضوع نفت و انرژی‏های جایگزین می‏شود.

در آخرین فصل از بخش سوم یعنی«سیمای بازار نفت،قبل و بعد از ظهور اوپک»،مفاهیم و مبانی پایه‏ای برای ورود به فراز اصلی در پژوهش،مورد مطالعه و بررسی قرار گفته است.بخش دوم از این پژوهخش با عنوان«بازار نفت و مکانیزم‏های‏ قرارداد از دیدگاه تئوریک»به تفصیل به تشریح سیمای بازار نفت و انواع سیستم‏های‏ معاملات فیزیکی یا«تر»و معاملات مالی یا کاغذی در تجارت بین الملل نفت‏ می‏پردازد.تحلیل و ارزیابی تحولات ساختاری در بازار نفت و مکانیزم مبادلات در فصل پنجم ارائه شده است.تبیین«دینامیسم مدیریت ریسک و بررسی جایگاه اوپک‏ در ساختار آتی بازار»به فصل پایانی این تحقیق احاله شده است.

در بررسی‏های به عمل آمده در این پژوهش نشان داده شده است که:

بازار نفت در ابتدای کشف آن با شیوه انحصار کامل اداره می‏شد.بعد از آن‏ و با وارد شدن رقبای دیگر در این صنعت،ماهیت اداره بازار از منظر اقتصادی به‏ انحصار چند جانبه تغییر صورت داد.با فعال شدن شرکت‏های مستقل نفتی در کنار شرکت‏های عمده،بازار از شکل انحصار چند جانبه در آمده و مکانزیم انحصار با درجه پایینی از رقابت به تدریج جای سیمای قبلی بازار را گرفت.

با ظهور اوپک،ماهیت بازار مجددا دستخوش دگرگونی شد تا آنجا که قیمت‏ نفت در مکانیزم جدید به نام ایگاپول دو جانبه تعیین می‏شد.در این بین،قراردادهای‏ نفتی به تدریج تغییر شکل می‏یافت و نظام«قیمت‏های اعلان شده»،جای خود را به‏ نظام«قیمت‏های رسمی»داد.

در این مقطع از سیر تحولات بازار نفت،رویداد شوک قیمت‏های نفت در سال‏ 1979 و توالی آثار مثبت و تحمیل شده بر آن تا سقوط قیمت‏های جهانی نفت در 1986، در یک ربط تعاملی با تغییر رژیم قراردادهای نفتی(در بستر مدیریت نوین آژانس‏ بین امللی انرژی بر بازار تولید و مصرف انرژی)به دقت مورد کنکاش قرار می‏گیرد، نگارنده تاکید می‏کند:

بحران سقوط قیمت‏های نفت در سال 1986 به خوبی ثابت کرد که‏ تغییرات ساختاری شکل گرفته در نیمه اول این دهه،به همراه عدم درک صحیح‏ اوپک از وضعیت موجود در این دوره،تا چه حد می‏تواند نتایج خطرناکی را برای کشورهای عضو به دنبال داشته است.تحولاتی که به واسطه دگرگونی‏ در مکانیزم‏های قیمت‏گذاری نفت و فرآورده و نیز سیستم‏های معاملاتی‏ مربوطه شکل گرفت و در کنار آن،اعمال سیاست‏های آژانس بین المللی انرژی‏ مبنی بر کنترل و کاهش سطح تقاضا در محدوده کشورهای DCEO با ابزارهای‏ جانشین‏سازی سایر انرژی‏های اولیه به جای نفت،کاهش در صد اتلاف انرژی و افزایش بهره‏وری از نفت و سایر حامل‏های انرژی،ایجاد ذخایر استراتژیک نفتی، کنترل قیمت نفت و فرآورده برای مصرف‏کنندگان نهایی از طریق سیستم‏های‏ مالیاتی،همچنین کاهش بیشتر مصرف نفت به دلیل افزایش نرخ مبادله‏ دلار در شکل مکمل‏های تحولات مذکور،زمینه لازم برای تحقق ساختار جدید بازار در نیمه دوم دهه هشتاد را به وجود آورد.

آنچه را که نگارنده در این پژوهش و در تحلیل نهایی نشان داده به این صورت بیان‏ شده است:

دینامیسم تحول در دهه هشتاد نشان داد که چگونه شوک نفتی سال 1979 توانست سیمای بازار را تغییر داده،رژیم معاملات نفتی را دستخوش تغییرات اساسی‏ کند.همچنین،رژیم نوین مبادلات در تجارت جهانی نفت تا چه میزان توانست‏ قدرت ایجاد یک بحران در روند قیمت‏های بین المللی نفت را از خود نشان دهد (سقوط قیمت‏ها در سال 86)

پس از آن و در یک تاثیر تعاملی نوین،همین تحول در بازار یعنی سقوط بی‏سابقه‏ قمیت‏ها در سال 1986 منتهی به توسعه و تثبیت بازارهای آینده در رژیم معاملات در تجارت جهانی نفت شد؛رژیمی که با تغییر شکل بازار به سوی یک سیمای رقابتی، «نفت خام‏های شاخص»را عهده‏دار تعیین قیمت انواع خام و حتی فرآورده‏های‏ نفتی کرده است.آنچه را که نگارنده از عهده نشان دادن و مدلل کردن آن برآمده است‏ چگونگی فرایند تکوین و رشد سیمای رقابتی در بازار جهانی نفت است که بر اساس‏ یک الگوی طراحی شده و هدفمند از سوی جناج مصرف‏کنندگان از اواخر دهه هفتاد آغاز شد و با تکمیل حلقه‏های تحول در دهه هشتاد،در آستانه ورود به دهه 90 سیمای‏ پویا و تکمیل شده آن نضج گرفت.

نگارنده در بخش توصیه‏های سیاستی،مبحثی را تحت عنوان«استراتژی‏ اوپک در نققش آفرینی»می‏گشاید که در آن سه مبحث بهنیه‏سازی امور بازاریابی و فروش در قالب مدیریت نوین اطلاعات و قیمت‏گذاری،بازیافت مدیریت تولید با استفاده از مکانیزم قیمت و تشویق به همکاری تعداد بخصوصی از کشورهای‏ صاحب نفت جهان با اوپک تشریح و تبیین می‏شود.ذکر این نکته در پایان خالی‏ از لطف نیست که این توصیه‏ها،در قالب دیگر گزارش‏های تحقیقی منتشر شده نگارنده در سال‏های 1374 و 1376 با این بیان تصحیح و تکمیل شده است: 1-حمایت از دامنه قیمت به جای تعیین سقف تولید و پی‏ریزی برنامه متناظر و متناسبی از حداقل و حداکثر تولید جمعی اوپک 2-تعریف استراتژی و تعیین‏ اهداف میان و بلند مدت اوپک برای ورود به هزار سوم،3-پایه‏گذاری و تاسیس‏ یک بازار نوین تجارت نفت در منطقه خلیج فارس با هدف انتقال تدریجی بازار از«بازار تولیدکنندگان»به«بازار مصرف‏کنندگان»در قرن جدید.